

دوشنبه پانزدهم شهر صفر المظفر ۱۲۹۵ هجری
 قیمت بکظفوا بکعباسه
 قیمت اعلان سطره و شاهي
 ادایه در چهار قط

نزه سی و پنجم او خلیل



روزنامه علم

هجدهم فوریه ماه فرانسه ۱۸۷۱ مسیحی
 هر کس اخبار و اطلاعات علمی بخواهد از الطباعه و دفتر
 بفروشد درین روزنامه باسم خود او نوشته
 خواهد شد

دوشنبه ششم شهر صفر المظفر که عید مولود سعود اعلم حضرت اقدس
 شاهنشاه خسرو مناجقران شیدا الله تعالی دعا بم ملکه بردشرا بطبخ
 وعید چنانکه با باده و زانامه مبارکه ایران نگارش یافته کاملاً بعمل آمده
 روزنامه دولتی و علمی میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفرزغی تهنیت تبریک
 این روز فرود و عید سعید اغزی عرض کرده در خاک پای فرقد ساموئیل
 قبول واستحسان یافته بیک طاقه شال خلعت هماپون میرزا محمد حسین
 مفتخر و میناهی گردید و غزل مزبور از قرار ذیل است

در سبکه با برکت فدای دوش کتودند	همه خلق چون برك شب عید بودند
مگر محتسب شهر سفر کرده بجای	چه کردند خدا را که در بسته کشوند
بهر کف قلدی بود امیرانه کوفتند	بهر خا صفتی بود دلبرانه بودند
بیشور و بیارقص بلب جام مروق	بدل نیز اگر زنک غمی بود زدند
مگر رام نمانند بفرنگ غزالی	دما دم غزلی تازه با هتک سردند
ز اسباب طرب هیچ میندازد که بود	و گرم بمثل بود همان لحظه فرودند
هر حاصل بکماله ما مشت ذری بود	پر پیچره تیان حاصل مارا چودردند
با بروی چو شمشیر همه و سمر کشیدند	بزلفین چو زنجیر همه فاله سودند
شب عید نبودیم چنین خرم و خند	گر این پنجه دهانان شکر خند بنودند
ز مولود شهنشاه و ازین عید هماپون	ندای که گفتند بشادی و شنودند
پیران محمد شای ملک العرش و ان بخشود	جوآن بخت طک نامردین راستودند
لباز تهنیت خسرو منصور نیستند	زهی را در عزیزان که سزاوار درودند
چو مدح ملک و شعر فرزغی بمیان بود	همه شب بنشینند و ز باوی نغزودند

تاریخ حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله برای جمیع امم و ملل خاصه
 امت مرحومیه و ملت سنیته مقدسه اسلام و صف اهتت و جلالت شان
 دارد و این تاریخ معضم را اگر چه با السنه مختلفه مورخین سلف خلف
 در کمال نفاست و صانت و حسن عبارت و صحت نگاشته اند اما بیچونک
 چند فائده ان عام نیست و مخصوص خواص است بنا علی هذا ازین نمره
 ما تاریخ حضرت رسول صلی الله علیه و آله را از تولد آنحضرت تا رحلت
 ساده خالی از حشو و زوائد مینگاریم و مقدّمات آنجه سعودی در مروج الذهب

در روزنامه سنت بطرز پورغ بتاریخ بیت و سیم ماه دسامبر ۱۸۷۷
 مسطور است که در پارسی مجلسی برقرار است که اجزای ان بعد از وقایع
 بگذرک را تشریح مینمایند بعضی اشخاص که از علم طبیعی انسان اطلاع دارند
 و همچنان کناهنکه عالم و طبیب هستند یکجا جمع شد و هر یک از ایشان بنوع
 قرارداد چنین شرط نموده که بعد از وفات سایر رفقای او که جزو مجلس
 او را تشریح کرده مطالب طبی از اعضای او استنباط نمایند و شرط عمد
 اینها اینست اجزاء هر طور و هر قسم میخواهند رفتار مینمایند بشرط اینکه

فایده برای علم طب داشته باشد مجلس مزبور حالا اجراء زیاد دارد از قرار مذکور
بکنفر پیر مرد که از اجزاء این مجلس بود ناخوش شد و بی احتیاطی نمود لهذا
خود را بمواظبت و معالجه رفقا و همسایگان خود تقویض کرد و طولی نکشید
که در گذشت و فوت او خیلی اسباب خوشوقتی سایرین گشت زیرا که مدتها
بود جسد تشریح نکرده بودند رسم این مجلس این است بکنفر از اجزاء
مرد اهل مجلس فوراً او را تشریح میکنند و عضوی که مریض بوده بعد از تشریح
در جای دیگر میکنند خلاصه شبانروز بیکه با اجزای مجلس تشریح بدن
پیر مرد بپردازند ضیافت مخصوصی کرده بکجا جمع و مشغول عیش شدند مسلم
که هر چه مرض شخص متوفی اهمیت دارد اسباب مهمانی را بجهت فراهم میآوردند بعد
از صرف غذا وقتیکه همگی اجزای سرخوش شده اند سید گل را که در مرکز میز نشسته
بوداشته بنهانی و بطوریکه هیچکس ملتفت نمیشود بجای آن نظر میکنند و بعد
بعد از مجلس از جای خود برخاسته سرپوش را از روی آن طرف بر میدارند
و در زیر آن چند ظرف بزرگ و کوچک میبندد که همه مملو از عرق و در هر یک
عضوی از اعضای مریض را که میخواهند نگاهدارند ملاحظه میشود باقی
اعضای میت را که تشریح نموده اند در موزه مخصوصی که این مجلس قرار داده
میکذارند درین موزه ظرفهای بسیار قشنگ گذارده که در هر یک از آنها یک
عضو از جسد تشریح شده را قرار میدهند

روزنامه نگار سنت بطرز بورغ کوپد با وجود تفصیل مسطور بطور بقیه
معلوم شد که در میان اجزاء مجلس مزبور که شغل خود را تشریح بدن بگذراند
قرار داده اند بعضی هستند که راضی نیستند که جسدها را بعد از فوت تشریح
کنند چنانکه بکنفر از آنها گفته بود اختیار جسد من با اطفال من است اگر
آنها اذن دادند بعد از فوت تشریح کنند و الا فلا و اولاد ارشاد و حالا
بیت ششماهه میباشد و طولی دارد تا کبیر شود و از اذن این مطلب را
بخواهند اعتقاد نگارنده روزنامه سنت بطرز بورغ اینست که عموم مردم
بر رفتار اهل این مجلس نیستند از جمله کسانی که مایل بنگاهداشتن آبدان
اموات خود نشدند مادام طبر است که از روانا لبدن و نگاهداشتن بدن
شومر خود با نمود و فی الحقیقه وضع رفتار این مجلس چندان مطبوع نیست
و در بعضی مصطبه های علی اجناد اموات را خیلی محترم داشته نمیکذارند
بدن او را تشریح کنند چندی قبل بکنفر از شاگردهای مدرسه طب نظامی
غفلت افوت شد اطلباً هر چه خواستند مرض او را تشخیص دهند ممکن نشد
و این مطلب سرنی شده بود و اجزای مجلس شورای این مدرسه چنین معجز
دیدند که بدن ایشان را تشریح کرده مرض او را معلوم نمایند ولی بسیاری
راضی باین فقره نشدند کنند بجهت خانواده این میت را ضعیف باین فقره نباشند
و فرصت اینکه اجازه اینکار را حاصل نموده ناچار از این خیال در گذشتند

نظر بعواقب و اشکالات که برای اجزای مجلس تشریح در اقدام بخیال خود
موجود است مشکل است از عهد قصد خود برآیند و کارهای ایشان
مفید فایده شود

بقیة اخبار فیض الله حکیمباشی

طریقه بروز شانکر زخم کوفتی همیشه بیک نخج بروز نماید و اغلب ابتدا نماید
بیک نقطه سرخی با قدری برآمدگی و وجعی شدید سوزان با وجعی باخارش
که بواسطه نشر رطوبت بر جسته شده و بزودی کدر و درمی گردد و جبار
بدیدار نماید شبیه به اکتیا (اکتیا یکی از امراض جلدی با حباب است)
و حجم آن حباب مختلف است که از حجم عدسی الی بول سباهی و زیاد هم دیده
شود و گاهی بجای حباب فلسی کدر بسته شود و اگر آنجا برآید با آن فلس را
بردارند جراحی مشاهده شود که بزودی سطح و عمقی را فرآورد که حجم آن بزرگ
از بیست الی پنجاه سانتیم است و گاهی زیاد شد در تمام خسته گاه و حشفه
منبسط گردد

و آنجا که دریم کوفتی بخراش با شقاق با جراحی از بدن بر خورد بدون آنکه
حبابی بروز نماید همان خراش با شقاق با جراحی تبدیل بچ تغییر صورت دارد
صورت جراحی کوفتی را بدیدار نماید و عقیده مسبور بکرا اینست که غالباً
کوفتی بطور جراحی بروز نماید و هم برانست که گاهی بروزش بطور دم لاس
و این صورت وقتی تواند بود که دریم کوفتی بعق جراحی از الوت برسد بدون آنکه
با طرف آن جراحی برخورد نماید لب آن جراحی ملتئم شود و در عرق دملی بروز کند
که چون آن دم لاس باشد تمام علامات جراحی کوفتی را دارا خواهد بود
وقتی که جراحی کوفتی در نقطه بروز نماید که جلدش ضخیم تر از سر حشفه باشد
مثل جلد قصبه ضغن (پوست بیض) بزودی آنجا بیدل فلس شود
و آنجا که آنفلس بواسطه اصطکاک پاکندن با دست برداشته شود مجدداً فلس
دیگری خیلی بزرگتر از اولی بجای آن بسته شود بواسطه آنکه آن تفرج بسیار
زود بزرگ شود

بروز شانکر اغلب یکی است شود که متعدد باشد که گاهی تمام حشفه مانند
غریبال سوراخ سوراخ شود و حجم جراحی کوفتی نسبت معکوس دارد با مدتها
که هر چه عددش بیشتر باشد جوش کمتر خواهد بود و گاهی چند جراحی بیکدیگر
پیوسته جراحی احدی احداث نمایند
علامات و رفتار شانکر بمرض و هر موضعی از مواضع بدن که بروز نماید
عموماً علامات و رفتار آن بیک نخج نیست لهذا بعضی این مرض را بدو نوع
مینمایند و آن عبارتست از کوفت با صلابت و کوفت با نرمی و اینست
اما شانکر اندوده یعنی کوفت با صلابت جراحی اغلب مفرد و بدون نخج
و باشد که اندکی وضع داشته باشد و تقریباً مدد در عروق آن در نخج بزودی

عاجز خواهد بود چه آلات دراکه او منحصر در لامسه و ذائقه و شامه است
 و این سر قوه هم معلوم است در اکتا جزئیه حاصل خواهد شد نه کلیه اگر
 طفل تازه تولید را در موضعی تربیت کنند که ابصار و استماع بجهت آن حاصل
 نشوند باز هم چنان است که ذکر شد تجمل و تصور و تفکر ندارد خواب نه
 بیند صورتی و موجودات ذهنیه در او معدوم خواهد بود از ادراک
 و شعوران شخص ناندازه قوای ثلاثه است که عبارتند از ششم و ذوق و
 لمسی نفس جسمانیة الحدوث است قدیم بنیت اگر چه حکما یکی از جواهر
 خمس اش دانند ولی عرض است قائم بالذات نباشد قوام و دوامش بسته
 بقوام و دوام بدن است در بدو تکوین که جنین بکلیت به پیش نبوده تولید
 نفس هم با اندازه همان بکلیت بود هر چه ذرات مادیه خارجی اضافه بر او
 شدند تکمیل آن بیشتر شد تا وقت تولد که ابتدای عکاسی طبیعت است
 در آنوقت بجز قوه حیوة و تنبیه در طفل چیزی موجود نبود چون هیچکدام
 از صور ذهنیه در بدن منطبع نشده اند تصور و تجمل و تفکر هم وجود
 ندارد و پس از آن رفته رفته بواسطه آلات رابطه یعنی حواس خمس ظاهره
 صور خارجی در بدن منطبع کردند تصور دست هد خواب بید شود خفا
 اید و هکذا سایر اعمال پس نفس ناطقه با نفس دراکه بعد از تکمیل جمیع اعضا
 و جمیع اعمال بدینه در بدن بروز نماید نه قبل از آنها چون ظهورش بدین
 اعتبار است میتوان اطلاق حدوث بر او نمود و چون نتیجه ترکیب آلات
 بدینه است میتوان اسقوا از قبیل هستی نوع و جنس دانست نه از قبیل
 هستی افراد و اشخاص

صور افراد مادیه و انواع اشیا خارجی چون باغانت نور و هوا و غیره هادر
 دماغ منطبع کردند عبارتند از صور ذهنیه و قهنگه با هم اختلاط و ترکیب
 حاصل کنند همچنان و حالتی از برای الباقی دماغیه دست هد که از تجمل
 و تفکر و تصور گویند موجودات ذهنیه و علم و نوم نیز عبارتند از این
 صور مرتبه خواهند بود هم چنانکه از مجاورت و الصاق اشیا و شهبه
 و شبهه بیدن نفس را التذاز دست هد از تصور و تجمل آنها نیز اودا
 لذت حاصل خواهد شد مثلا از چشمیدن اشیا و خامضه ترشح بزاق
 زیاد شود از تصور آنها نیز دهن پر آب و طعم ترشی احساس کرد
 از این معنی چنان مستفاد میشود که خیال و تصور را نیز در بدن اثری
 خواهد بود و حال آنکه غیر مادی اند

اعلان

چون جناب مستطاب شرف سپهسالار اعظم و ز پر جنک و وزیر
 امور خارجه هواده رای صواب نمای خود را در ارتفاع ضنون و انتخاب
 معلوم مشغول مینمایند حسبک اشاره و دستورا لعل جناب مستطاب

معظم میرزا عباس خا... منشی مخصوص و داروغه وزارت جلیله خارجه
 ولده مؤمن السلطان لسان الملك مستوفی اول دیوان عالی که از خانه زاران
 و تربیت یافتگان این دولت بدارگان است کتاب فیات الاعیان تالیف
 قاضی شمس الدین ابن خلکان که از کتب معتبره و تواریخ مشهوره است
 بوضعی خوب و سبکی مفید ترجمه مینماید و در هر جا اختصاری رفته از کتب
 معتبره معتمد علیها بر آن مینماید و در چهار جلد تقسیم نموده و تا بحال
 سه جلد که قریب یکصد هزار بیت است بنام مبارک اعلحضرت قو پشت
 بندگان اقدس هاپون شاهنشاه جنجاه اسلام پناه خلد الله ملکه و سلطان
 با تمام رسیده است جلد چهارم آن نیز بعون پروردگار و فرخنده صاحبان
 و مراقبت جناب اشرف امجد معظم عمای قریب با انجام رسیده بجلد طبع
 عملی میشود

من التواضع

یکی از منسبین حکومت قزوین کپسه پولی داشته باز میکنند بعد از آن
 حاجت بستن کپسه فراموشش میشود پس از دوازده روز بان اطاق
 میرود میند صد و پنجاه و هفت تومان از تنخواه جوف کپسه نیست بکوت
 غرض میشود حکومت در جواب میگوید تا سه روز بنوک و خدر محلت
 روا باشد شاید بروزد دهند یا تنخواه را بیاورند و بجای خود بگذارند
 بکشتی که میکند در صاحب تنخواه بنیادش میباشد که در سنه ماضیه دو تون
 از پولش را موش برده بود ادمنهای خود را میخواهد بک دو سوراخ موش
 کردن صندوقخانه ظاهر بود کاوش میکنند و دست مبرند پنجاه و چهار
 تومان از آن پول را از سوراخ موش بر میاورند بقیه تنخواه هنوز همانجا
 مانده با بست اطاق را خراب کنند تا بر آید دور نیست اخراجات خراب کردن
 و ساختن این اطاق همانقدرها بشود

اعلان

کتاب دبالک از فرانسه ریاضی از تالیفات مؤمن السلطان صنیع
 الدوله حاوی و شامل مکالمات لازمه کثیر الدور
 و لغات بسیار جامع و مفید مرتب و
 مینویسد در کمال صحیح و قد
 بطبع رسیده در
 دار الطباعة
 هاپون
 بفروش میرسد قیمت پنج هزار دینار
 محمد حسن